

قصة الطوفان في التوراة:

داستان طوفان در تورات:

«الأصحاح السادس

1 وحدث لما ابتدأ الناس يأكثرون على الأرض وولد لهم بنات 2 ان ابناء الله رأوا بنات الناس أنهن حسنات. فاتخذوا لأنفسهم نساء من كل ما اختاروا. 3 فقال الرب لا يدين روحي في الانسان إلى الأبد. لزيغانه هو بشر وتكون أيامه مئة وعشرين سنة. 4 كان في الأرض طغاة في تلك الأيام. وبعد ذلك أيضا إذ دخل بنو الله على بنات الناس وولدن لهم أولادا. هؤلاء هم الجبابرة الذين منذ الدهر ذوو اسم 5 ورأى الرب أن شر الانسان قد كثر في الأرض. وأن كل تصور أفكار قلبه إنما هو شرير كل يوم. 6 فحزن الرب أنه عمل الانسان في الأرض. وتأسف في قلبه. 7 فقال الرب أمحو عن وجه الأرض الانسان الذي خلقتة. الانسان مع بهائم ودبابات وطيور السماء. لأنني حزنت أنني عملتهم. 8 وأما نوح فوجد نعمة في عيني الرب 9 هذه مواليد نوح. كان نوح رجلا بارا كاملا في أجياله. وسار نوح مع الله. 10 وولد نوح ثلاثة بنين ساما وحاما ويافت. 11 وفسدت الأرض أمام الله وامتلات الأرض ظلما. 12 ورأى الله الأرض فإذا هي قد فسدت. إذ كان كل بشر قد أفسد طريقه على الأرض 13 فقال الله لنوح نهاية كل بشر قد أتت أمامي. لأن الأرض امتلات ظلما منهم. فها أنا مهلكهم مع الأرض. 14 اصنع لنفسك فلكا من خشب جفر. تجعل الفلك مساكن. وتطليه من داخل ومن خارج بالقار. 15 وهكذا تصنعه. ثلث مئة ذراع يكون طول الفلك وخمسين ذراعا عرضه وثلثين ذراعا ارتفاعه. 16 وتصنع كوا للفلك وتكمله إلى حد ذراع من فوق. وتضع باب الفلك في جانبه. مساكن سفلية ومتوسطة وعلوية تجعله. 17 فها أنا أت بطوفان الماء على الأرض لأهلك كل جسد فيه روح حيوة من تحت السماء. كل ما في الأرض يموت. 18 ولكن أقيم عهدي معك. فتدخل الفلك أنت وبنوك وامراتك ونساء بنيك معك. 19 ومن كل حي من كل ذي جسد اثنين من كل تدخل إلى الفلك لاستبقائها معك. تكون ذكرا وأنثى. 20 من الطيور كأجناسها ومن البهائم كأجناسها ومن كل دبابات الأرض كأجناسها. اثنين من كل تدخل إليك لاستبقائها. 21 وأنت فخذ لنفسك من كل طعام يؤكل واجمعه عندك. فيكون لك ولها طعاما. 22 ففعل نوح حسب كل ما أمره به الله. هكذا فعل

«پیدایش باب ۶»

- ۱ و واقع شد که چون آدمیان شروع کردند به زیاد شدن بر روی زمین و دختران برای ایشان متولد گردیدند،
- ۲ پسران خدا دختران آدمیان را دیدند که نیکومنظرند، و از هر کدام که خواستند، زنان برای خویشان می‌گرفتند.
- ۳ و خداوند گفت: روح من در انسان دائماً داوری نخواهد کرد، زیرا که او نیز بشر است. لیکن ایام وی صد و بیست سال خواهد بود.
- ۴ و در آن ایام مردان تنومند در زمین بودند. و بعد از هنگامی که پسران خدا به دختران آدمیان در آمدند و آنها برای ایشان اولاد زاییدند، ایشان جبارانی بودند که در زمان سَلَف، مردان نامور شدند.
- ۵ و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصور از خیالهای دل وی دائماً محض شرارت است.
- ۶ و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود، و در دل خود محزون گشت.
- ۷ و خداوند گفت: انسان را که آفریده‌ام، از روی زمین محو سازم، انسان و بهایم و حشرات و پرندگان هوا را، چونکه متأسف شدم از ساختن ایشان.
- ۸ اما نوح در نظر خداوند التفات یافت.
- ۹ این است پیدایش نوح. نوح مردی عادل بود، و در عصر خود کامل. و نوح با خدا راه می‌رفت.
- ۱۰ و نوح سه پسر آورد: سام و حام و یافث.
- ۱۱ و زمین نیز بنظر خدا فاسد گردیده و زمین از ظلم پرشده بود.
- ۱۲ و خدا زمین را دید که اینک فاسد شده است، زیرا که تمامی بشر راه خود را بر زمین فاسد کرده بودند.
- ۱۳ و خدا به نوح گفت: انتهای تمامی بشر به حضورم رسیده است، زیرا که زمین بسبب ایشان پر از ظلم شده است. و اینک من ایشان را با زمین هلاک خواهم ساخت.
- ۱۴ پس برای خود کشتی‌ای از چوب کوفر بساز، و حُجرات در کشتی بنا کن و درون و بیرونش را به قیر بیندا.
- ۱۵ و آن را بدین ترکیب بساز که طول کشتی سیصد ذراع باشد، و عرضش پنجاه ذراع و ارتفاع آن سی ذراع.

- ١٦ و روشنی‌ای برای کشتی بساز و آن را به ذراعی از بالا تمام کن. و در کشتی را در جنب آن بگذار، و طبقات تحتانی و وسطی و فوقانی بساز.
- ١٧ زیرا اینک من طوفان آب را بر زمین می‌آورم تا هر جسدی را که روح حیات در آن باشد، از زیر آسمان هلاک گردانم. و هر چه بر زمین است، خواهد مرد.
- ١٨ لکن عهد خود را با تو استوار می‌سازم، و به کشتی در خواهی آمد، تو و پسرانت و زوجات و ازواج پسرانت با تو.
- ١٩ و از جمیع حیوانات، از هر ذی‌جسدی، جفتی از همه به کشتی در خواهی آورد، تا با خویشان زنده نگاه داری، نر و ماده باشند.
- ٢٠ از پرندگان به اجناس آنها، و از بهایم به اجناس آنها، و از همه حشرات زمین به اجناس آنها، دودو از همه نزد تو آیند تا زنده نگاه داری.
- ٢١ و از هر آذوقه‌ای که خورده شود، بگیر و نزد خود ذخیره نما تا برای تو و آنها خوراک باشد.
- ٢٢ پس نوح چنین کرد و به هرچه خدا او را امر فرمود، عمل نمود.

الأصحاح السابع

- 1 وقال الرب لنوح ادخل أنت وجميع بيتك إلى الفلك. لأنني إياك رأيت باراً. لدي في هذا الجيل. 2 من جميع البهائم الطاهرة تأخذ معك سبعة سبعة ذكراً وأنثى. ومن البهائم التي ليست بطاهرة اثنين ذكراً وأنثى. 3 ومن طيور السماء أيضاً سبعة سبعة ذكراً وأنثى. لاستبقاء نسل على وجه كل الأرض. 4 لأنني بعد سبعة أيام أيضاً أمطر على الأرض أربعين يوماً وأربعين ليلة. وأمحو عن وجه الأرض كل قائم عملته. 5 ففعل نوح حسب كل ما أمره به الرب 6 ولما كان نوح ابن ست مئة سنة صار طوفان الماء على الأرض. 7 فدخل نوح وبنوه وامراته ونساء بنيه معه إلى الفلك من وجه مياه الطوفان. 8 ومن البهائم الطاهرة والبهائم التي ليست بطاهرة ومن الطيور وكل ما يدب على الأرض 9 دخل اثنان اثنان إلى نوح إلى الفلك ذكراً وأنثى. كما أمر الله نوحاً 10 وحدث بعد السبعة الأيام أن مياه الطوفان صارت على الأرض. 11 في سنة ست مئة من حيوة نوح في الشهر الثاني في اليوم السابع عشر من الشهر في ذلك اليوم انفجرت كل ينابيع الغمر العظيم وانفتحت طاقات السماء. 12 وكان المطر على الأرض أربعين يوماً وأربعين ليلة. 13 في ذلك اليوم عينه دخل نوح وسام وحام ويافت بنو نوح وامرأة نوح وثلاث نساء بنيه معهم إلى الفلك. 14 هم وكل الوحوش كأجناسها وكل البهائم كأجناسها وكل الدبابات التي تدب على الأرض كأجناسها وكل الطيور كأجناسها كل

عصفور كل ذي جناح. 15 ودخلت إلى نوح إلى الفلك اثنين اثنين من كل جسد فيه روح حيوة. 16 والداخلات دخلت ذكرا والأنثى من كل ذي جسد كما أمره الله. وأغلق الرب عليه 17 وكان الطوفان أربعين يوما على الأرض. وتكاثرت المياه ورفعت الفلك. فارتفع عن الأرض. 18 وتعاضمت المياه وتكاثرت جدا على الأرض. فكان الفلك يسير على وجه المياه. 19 وتعاضمت المياه كثيرا جدا على الأرض. فتنظت جميع الجبال الشامخة التي تحت كل السماء. 20 خمس عشرة ذراعا في الارتفاع تعاضمت المياه. فتنظت الجبال. 21 فمات كل ذي جسد كان يدب على الأرض. من الطيور والبهائم والوحوش وكل الزحافات التي كانت تزحف على الأرض وجميع الناس. 22 كل ما في انفه نسمة روح حيوة من كل ما في اليابسة مات. 23 فمحا الله كل قائم كان على وجه الأرض. الناس والبهائم والدبابات وطيور السماء. فانمحت من الأرض وتبقى نوح والذين معه في الفلك فقط. 24 وتعاضمت المياه على الأرض مئة وخمسين يوما

پیدايش باب ۷

- ۱ و خداوند به نوح گفت: «تو و تمامی اهل خانهات به کشتی در آبیید، زیرا تو را در این عصر به حضور خود عادل دیدم.
- ۲ و از همه بهایم پاک، هفت هفت، نر و ماده با خود بگیر، و از بهایم ناپاک، دودو، نر و ماده،
- ۳ و از پرندگان آسمان نیز هفت هفت، نر و ماده را، تا نسلی بر روی تمام زمین نگاه داری.
- ۴ زیرا که من بعد از هفت روز دیگر، چهل روز و چهل شب باران می بارانم، و هر موجودی را که ساخته ام، از روی زمین محو می سازم. «
- ۵ پس نوح موافق آنچه خداوند او را امر فرموده بود، عمل نمود.
- ۶ و نوح ششصد ساله بود، چون طوفان آب بر زمین آمد.
- ۷ و نوح و پسرانش و زنش و زنان پسرانش با وی از آب طوفان به کشتی در آمدند.
- ۸ از بهایم پاک و از بهایم ناپاک، و از پرندگان و از همه حشرات زمین،
- ۹ دودو، نر و ماده، نزد نوح به کشتی در آمدند، چنانکه خدا نوح را امر کرده بود.
- ۱۰ و واقع شد بعد از هفت روز که آب طوفان بر زمین آمد.
- ۱۱ و در سال ششصد از زندگانی نوح، در روز هفدهم از ماه دوم، در همان روز جمیع چشمه های لجة عظیم شکافته شد، و روزهای آسمان گشوده.
- ۱۲ و باران، چهل روز و چهل شب بر روی زمین می بارید.

- ۱۳ در همان روز نوح و پسرانش، سام و حام و یافث، و زوجة نوح و سه زوجة پسرانش، با ایشان داخل کشتی شدند.
- ۱۴ ایشان و همه حیوانات به اجناس آنها، و همه بهایم به اجناس آنها، و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند به اجناس آنها، و همه پرندگان به اجناس آنها، همه مرغان و همه بالداران.
- ۱۵ دودو از هر ذی جسدی که روح حیات دارد، نزد نوح به کشتی در آمدند.
- ۱۶ و آنهایی که آمدند نر و ماده از هر ذی جسد آمدند، چنانکه خدا وی را امر فرموده بود. و خداوند در را از عقب او بست.
- ۱۷ و طوفان چهل روز بر زمین می‌آمد، و آب همی افزود و کشتی را برداشت که از زمین بلند شد.
- ۱۸ و آب غلبه یافته، بر زمین همی افزود، و کشتی بر سطح آب می‌رفت.
- ۱۹ و آب بر زمین زیاد و زیاد غلبه یافت، تا آنکه همه کوههای بلند که زیر تمامی آسمانها بود، مستور شد.
- ۲۰ پانزده ذراع بالاتر، آب غلبه یافت و کوهها مستور گردید.
- ۲۱ و هر ذی جسدی که بر زمین حرکت می‌کرد، از پرندگان و بهایم و حیوانات و کل حشرات خزنده بر زمین، و جمیع آدمیان، مردند.
- ۲۲ هرکه دم روح حیات در بینی او بود، از هر که در خشکی بود، مرد.
- ۲۳ و خدا محو کرد هر موجودی را که بر روی زمین بود، از آدمیان و بهایم و حشرات و پرندگان آسمان، پس از زمین محو شدند. و نوح با آنچه همراه وی در کشتی بود فقط باقی ماند.
- ۲۴ و آب بر زمین صد و پنجاه روز غلبه می‌یافت.

الأصْحاح الثَّامِن

- 1 ثم ذكر الله نوحا وكل الوحوش وكل البهائم التي معه في الفلك. وأجاز الله ريحا على الأرض فهدأت المياه. 2 وانسدت ينابيع الغمر وطاقات السماء. فامتنع المطر من السماء. 3 ورجعت المياه عن الأرض رجوعا متواليا. وبعد مئة وخمسين يوما نقصت المياه. 4 واستقر الفلك في الشهر السابع في اليوم السابع عشر من الشهر على جبال أراراط. 5 كانت المياه تنقص نقصا متواليا إلى الشهر العاشر. وفي العاشر في أول الشهر ظهرت رؤوس الجبال. 6 وحدث من بعد أربعين يوما أن نوحا فتح طاقة الفلك

التي كان قد عملها 7 وأرسل الغراب. فخرج مترددا حتى نشفت المياه عن الأرض. 8 ثم أرسل الحمامة من عنده ليرى هل قلت المياه عن وجه الأرض. 9 فلم تجد الحمامة مقرا لرجلها. فرجعت إليه إلى الفلك. لأن مياها كانت على وجه كل الأرض. فمد يده وأخذها وأدخلها عنده إلى الفلك. 10 فلبث أيضا سبعة أيام آخر وعاد فأرسل الحمامة من الفلك. 11 فأنتت إليه الحمامة عند المساء وإذا ورقة زيتون خضراء في فمها. فعلم نوح أن المياه قد قلت عن الأرض. 12 فلبث أيضا سبعة أيام آخر وأرسل الحمامة فلم تعد ترجع إليه أيضا 13 وكان في السنة الواحدة والست مئة في الشهر الأول في أول الشهر أن المياه نشفت عن الأرض. فكشف نوح الغطاء عن الفلك ونظر فإذا وجه الأرض قد نشف. 14 وفي الشهر الثاني في اليوم السابع والعشرين من الشهر جفت الأرض 15 وكلم الله نوحا قائلا. 16 أخرج من الفلك أنت وامرأتك وبنوك ونساء بنيك معك. 17 وكل الحيوانات التي معك من كل ذي جسد الطيور والبهائم وكل الدبابات التي تدب على الأرض أخرجها معك. ولتتوالد في الأرض وتثمر وتكثر على الأرض. 18 فخرج نوح وبنوه وامرأته ونساء بنيه معه. 19 وكل الحيوانات كل الدبابات وكل الطيور كل ما يدب على الأرض كأنواعها خرجت من الفلك 20 وبنى نوح مذبحا للرب. وأخذ من كل البهائم الطاهرة ومن كل الطيور الطاهرة وأصعد محرقات على المذبح. 21 فتنسم الرب رائحة الرضا. وقال الرب في قلبه لا أعود ألعن الأرض أيضا من أجل الانسان لأن تصور قلب الانسان شرير منذ حدثته. ولا أعود أيضا أميت كل حي كما فعلت. 22 مدة كل أيام الأرض زرع وحصاد وبرد وحر وصيف وشتاء ونهار وليل لا تزال

پیدایش باب ۸

- ۱ و خدا نوح و همه حیوانات و همه بهایمی را که با وی در کشتی بودند، بیاد آورد. و خدا بادی بر زمین وزانید و آب ساکن گردید.
- ۲ و چشمه‌های لجه و روزنهای آسمان بسته شد، و باران از آسمان باز ایستاد.
- ۳ و آب رفته‌رفته از روی زمین برگشت. و بعد از انقضای صد و پنجاه روز، آب کم شد،
- ۴ و روز هفدهم از ماه هفتم، کشتی بر کوههای آرات قرار گرفت.
- ۵ و تا ماه دهم، آب رفته‌رفته کمتر می‌شد، و در روز اول از ماه دهم، قله‌های کوهها ظاهر گردید.
- ۶ و واقع شد بعد از چهل روز که نوح دریچه‌کشتی را که ساخته بود، باز کرد.
- ۷ و زاع را رها کرد. او بیرون رفته، در تردد می‌بود تا آب از زمین خشک شد.
- ۸ پس کبوتر را از نزد خود رها کرد تا ببیند که آیا آب از روی زمین کم شده است.

- ۹ اما کبوتر چون نشیمنی برای کف پای خود نیافت، زیرا که آب در تمام روی زمین بود، نزد وی به کشتی برگشت. پس دست خود را دراز کرد و آن را گرفته نزد خود به کشتی در آورد.
- ۱۰ و هفت روز دیگر نیز درنگ کرده، باز کبوتر را از کشتی رها کرد.
- ۱۱ و در وقت عصر، کبوتر نزد وی برگشت، و اینک برگ زیتون تازه در منقار وی است. پس نوح دانست که آب از روی زمین کم شده است.
- ۱۲ و هفت روز دیگر نیز توقف نموده، کبوتر را رها کرد، و او دیگر نزد وی برگشت.
- ۱۳ و در سال ششصد و یکم در روز اول از ماه اول، آب از روی زمین خشک شد. پس نوح پوشش کشتی را برداشته، نگرست، و اینک روی زمین خشک بود.
- ۱۴ و در روز بیست و هفتم از ماه دوم، زمین خشک شد.
- ۱۵ آنگاه خدا نوح را مخاطب ساخته، گفت:
- ۱۶ از کشتی بیرون شو، تو و زوجات و پسرانت و ازواج پسرانت با تو.
- ۱۷ و همه حیواناتی را که نزد خود داری، هر ذی‌جسدی را از پرندگان و بهایم و کل حشرات خزنده بر زمین، با خود بیرون آور، تا بر زمین منتشر شده، در جهان بارور و کثیر شوند.
- ۱۸ پس نوح و پسران او و زنش و زنان پسرانش، با وی بیرون آمدند.
- ۱۹ و همه حیوانات و همه حشرات و همه پرندگان، و هر چه بر زمین حرکت می‌کند، به اجناس آنها، از کشتی به در شدند.
- ۲۰ و نوح مذبحی برای خداوند بنا کرد، و از هر بهیمة پاک و از هر پرندة پاک گرفته، قربانی‌های سوختنی بر مذبح گذرانید.
- ۲۱ و خداوند بوی خوش بویید و خداوند در دل خود گفت: بعد از این دیگر زمین را بسبب انسان لعنت نکنم، زیرا که خیال دل انسان از طفولیت بد است، و بار دیگر همه حیوانات را هلاک نکنم، چنانکه کردم.
- ۲۲ مادامی که جهان باقی است، زرع و حصاد، و سرما و گرما، و زمستان و تابستان، و روز و شب موقوف نخواهد شد.

1 وبارك الله نوحا وبنيه وقال لهم أثمروا واكثروا واملأوا الأرض. 2 ولتكن خشيتكم ورهبتم على كل حيوانات الأرض وكل طيور السماء. مع كل ما يدب على الأرض وكل أسماك البحر قد دفعت إلى ايديكم....»(1).

1. العهد القديم - سفر التكوين - الأصحاح 6 - 9.

پیدایش باب ۹

۱ و خدا، نوح و پسرانش را برکت داده، بدیشان گفت: بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید.

۲ و خوف شما و هیبت شما بر همه حیوانات زمین و بر همه پرندگان آسمان، و بر هر چه بر زمین می‌خزد، و بر همه ماهیان دریا خواهد بود؛ به دست شما تسلیم شده‌اند....»(1).

1. کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، اصحاح (باب‌های) ۶ تا ۹.
